

نگاره حرا: متاورس باغشهر دریایی ایران (ترکیبی از یک پلاتفرم طبیعی و مجازی)

حامد ولی پور - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، ایران.
محمدحسین رامشت* - استاد گروه جغرافیای طبیعی، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان، ایران.
مسعود تقوایی - استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان، ایران.

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸ تأیید نهایی: ۱۴۰۲/۰۹/۱۲

چکیده

سواحل با توجه به هویت مکانی خود، جذابیت خاصی را پیش روی بشر در انتخاب محل سکونت خود قرار داده‌اند، تاجایی که بیشتر متروپل‌های فعلی که مهم‌ترین محور تمرکز جمعیت جهان (توکيو، لندن، لس‌آنجلس، نیویورک، شانگهای و ...) بشمار می‌آیند، در این بهنه مکان گزیده‌اند. گستردگی سواحل شمالی خلیج فارس، طبیعت منحصر به فرد اکوسیستم حرا و درک افتراق‌های چشمگیر این سواحل با سایر کرانه‌های ساحلی منطقه و اهمیت ژئوپولیتیک تنگه هرمز، ایجاد سازمندی اجتماعی نوظهوری را نوید می‌دهد که می‌تواند از ظرفیت‌های گسترده مدنیت دریایا به و تکامل بخشیدن به یک تمدن بری، پایداری ایران را تضمین و ارتقاء بخشد. این پژوهش به دنبال ادراک فضای سکونتگاهی عرصه پژوهش، با اتکاء به قواعد محیطی و حوزه‌های معرفتی چیدمان فضا، با نگاه پدیدارشناسانه و استفاده از داده‌های جمعیتی، مکانی و مدل‌های رقومی است. تحلیل ارتباطات عناصر فضایی با یکدیگر با استفاده از چینش الگوهای فضایی (آرایه‌های هیدروژئومورفیک و فواصل فضایی) به عنوان عناصر تحلیل فضایی در چیدمان سکونتگاه‌ها با مؤلفه‌های محیطی تبیین می‌گردد. تحلیل نگاره‌های سکونتی با اتکاء به روش و رویکرد پدیدارشناسی، به منظور دستیابی به اهداف پژوهش و تحلیل سازمندی‌های اجتماعی موجود، انجام شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد: *هویت مکانی در نمود سازمندی‌های اجتماعی شهری، روستایی، کوچ‌نشینی، ساحل نشینی، حرانشینی نقش‌آفرین است و می‌تواند در ایجاد هویت جدید اجتماعی در فضای سایبری آمایش بنیادین و مدنیت دریایی ایران، مؤثر باشد. بخشی از سواحل شمالی خلیج فارس و دریای عمان می‌تواند به عنوان یک "متروپل متاورسی باغشهر دریایی" مطرح شود؛ زیرا خصیصه طبیعی جنگل‌های دریایی حرا و خصیصه ارزش فرهنگی آن با ترکیب فضای سایبری می‌تواند الگوی سازمندی جدیدی را در فضای سایبری بوجود آورد که شکوفایی تمدن نوین و شکل‌گیری الگوی پیشرفت دریایا به ایران را تحقق بخشد.

واژگان کلیدی: سازمندی اجتماعی، چیدمان فضا، نگاره حرا، باغشهر دریایی.

مقدمه

روش چیدمان یا نحو فضا^۱ و مدل‌های آن یک روش در تجسم روابط فضایی مکان و تحلیل سازماندهی‌های محیطی سکونتگاه‌ها است که در مطالعات جغرافیایی و پیکره‌بندی فضا^۲ بکار می‌رود و از مبانی اصلی آن، وجود رابطه‌ای دوطرفه میان فضا و الگوهای اجتماعی-فرهنگی است. تحلیل‌های مکانی که از این روش استفاده می‌کنند، درجه بالایی از عینیت و آزمون‌پذیری را نشان می‌دهند و از طریق پشتیبانی تجربی به عنوان شاخص تبیینی معتبر شناخته می‌شوند (هیلیر^۳، ۲۰۱۶: ۱۹۹). در این روش با عناوین بدیعی چون نگاره سرزمینی (متن)^۴، نگار (زمین-متن)^۵ و سازماندهی^۶ به عنوان مؤلفه‌های تحلیل فضایی در چیدمان سکونتگاه‌ها و ارتباطات محیطی سکونتگاه‌ها مواجهه و با بازشناسی این منطق خاص، می‌توان بسیاری از روابط انسان‌ها را در فضای اشغال‌شده و همچنین غیر ملموس انسانی، برملا کرد.

درک انسان از نگاره سرزمینی به تجربه وی از فضا و روح مکان بستگی دارد که به صورت شبکه پیچیده منظمی مانند سیستم عصبی است و پدیده‌ها را از درون به هم وابسته می‌کند (ولدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۱). در نگاره سرزمینی است که پدیده‌ها (نگارها) بر اساس موقعیت کارکردی و قرارگاهی‌شان، هویت و نقش خاص وجودی پیدا می‌کنند؛ به عبارت دیگر هر پدیده منحصر به فرد، در هر نگاره سرزمینی صفات و ویژگی‌های خاصی از خود بروز می‌دهد که نسبت به دیگر نگاره‌ها متفاوت است؛ به گونه‌ای که بروز کارکرد و معنای آن پدیده به نگاره و متنی بستگی دارد که در آن قرار گرفته است. در این دیدگاه سازماندهی اجتماعی^۷ اشاره به منظومه‌ای دارد که به عنوان ساختار^۸ از آن یاد نمی‌شود؛ بلکه سازماندهی بیشتر به مفهوم هویت‌مندی ساختاری انعطاف‌پذیر و غیرصلبی است که مستمراً رابطه بین اجزاء آن می‌تواند تغییر یابد، بدون آنکه هویت کلی ساختار از دست برود (ولی‌پور و همکاران، ۱۴۰۱: ۲).

از جمله نگاره‌های جغرافیایی که میراث تغییرات سطح تراز آب دریاست و جمعیت کثیری از مردم دنیا در آن سکونت گزیده‌اند، نگاره‌های ساحلی است. براساس مطالعات اخیر، خلیج فارس از ۱۸ هزارسال پیش، تراز ۷۰ متر بالاتر از سطح امروزی را هم تجربه کرده و حاصل چینن بالآمدگی و رسوب‌گذاری دریایی، دشت‌های ساحلی است که در اصطلاح پدیدارشناسی به آن نگاره ساحلی اطلاق می‌شود. (جلگه بین‌النهرین و خوزستان) (شکل ۱).

آنچه در این پژوهش اهمیت پیدا می‌کند درک تحلیل‌های جغرافیایی قواعد چیدمان نگاره ساحلی است که هویت منحصر به فرد و افتراق‌های چشم‌اندازی و سازماندهی‌های اجتماعی و محیطی متنوعی را خلق کرده است. دکتترین اصلی این تحقیق بر اساس ظرفیت ساحلی بر ایجاد باغشهر دریایی، با خلق سازماندهی جدید اجتماعی است که خود از هم‌پیوندی و وحدت سازماندهی‌های هویت‌مند موجود و درهم‌تنیدگی نگاره ساحلی جنوب به وجود می‌آید. سؤال بنیادی در اینجا آن است که سواحل جنوبی کشور با طبیعت منحصر بفرد در خط تعادل آب و خشکی، یعنی اکوسیستم دریایی حرا، می‌تواند به عنوان باغشهر دریایی معرفی گردد، به گونه‌ای که با الهام از فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی، پاسخگوی نیازهای یک تمدن دریاپایه جدید باشد.

1. Space Syntax

2. Space Configuration

3. Hillier

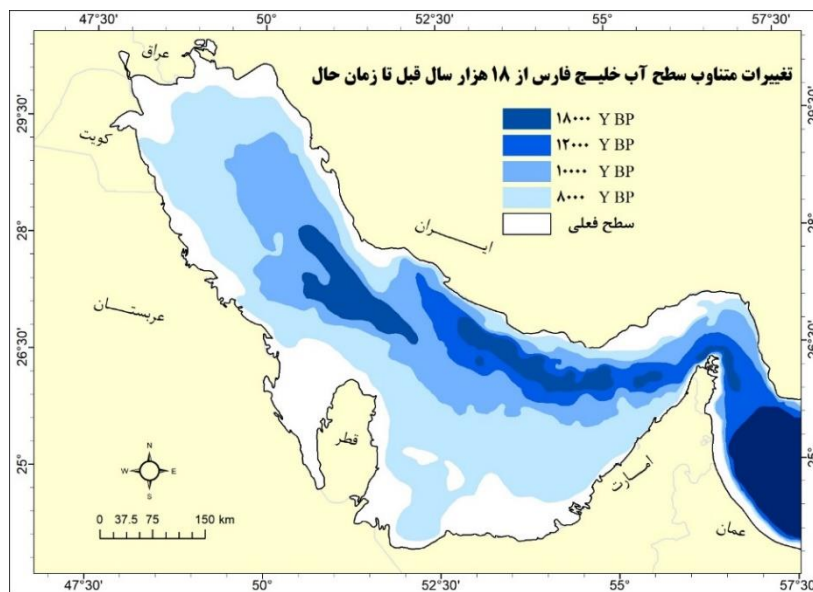
4. Land-Context

5. Land-Text

6. Configuration

7. Social Configuration

8. Structure



شکل ۱: تغییرات متناوب سطح آب خلیج فارس از ۸ تا ۱۸۰۰۰ سال قبل تا زمان حال^۱ (اقتباس از لامبک، ۱۹۹۶)

در زمینه چیدمان فضای سکونتگاه‌های انسانی به عنوان یک روش در مطالعات فضایی، می‌توان از کار ماندگار هیلبر (فضا دستگاه است^۲، ۲۰۰۷)، نام برد که ضمن تشریح ایده‌های نظری و قواعد پیکره‌بندی فضا، با ارائه مفهوم و ابزار سنجش پیکره‌بندی فضا تلاش دارد تا قانونمندی‌های اجتماعی نهفته در محیط را کشف و به الگوی پیکره‌بندی فضایی دست یابد؛ از این رو ایده کلی چیدمان فضایی، امکان تقسیم فضا به اجزای اصلی تشکیل‌دهنده آن و نمایش آن به عنوان نقشه و نمودارهایی که اتصال و ادغام نسبی بین اجزای فضا را توصیف می‌کند، فراهم می‌آورد (صبری حجازی و فودا^۳، ۲۰۱۹: ۶۴۷). بتی^۴ (۲۰۱۷)، به بررسی چیدمان فضا و تعاملات فضایی با توجه به تشابهات و تفاوت‌های آنها پرداخت. وان‌نس^۵ (۲۰۱۹)، به اصول چیدمان فضا و سهم آن در ساختار فضاهای سکونتگاهی پرداخته است. رشید^۶ (۲۰۱۹)، با استفاده از چیدمان فضا به تشریح روابط بین پیکره‌بندی فضا با فرآیندهای تولید فضا و بازتولید روابط اجتماعی و سرمایه اجتماعی پرداخته و اسپون‌هولز و همکاران (۱۳۹۸)، با استفاده از تئوری چیدمان فضا با اتکاء بر روش پدیدارشناسی به بررسی تفاوت‌های حافظه و هویت مکانی کانون‌های جمعیتی آلمان می‌پردازند و نتیجه می‌گیرند متن جغرافیایی آلمان شامل ۳ نگاره مختلف می‌باشد که هر کدام هویت فضایی جداگانه‌ای را بنا نهاده و سازماندهی‌های شهری از قوانین خاص خود پیروی می‌کنند و سازماندهی‌های روستایی آن، تکوین سازماندهی اجتماعی جنگل‌نشینی است.

در زمینه بررسی و ارزیابی نگاره‌های سرزمینی در کشور می‌توان از پژوهش‌هایی نام برد که به بررسی منطق چیدمان فضای نگاره‌های سرزمینی و سازماندهی‌های تشکیل‌دهنده آن می‌پردازد. نعمت‌اللهی و همکاران (۱۳۹۷)، با بهره گرفتن از روش چیدمان فضا و پدیدارشناسی به استخراج منطق ریاضی فضای سکونتگاهی ساحل شمالی خلیج فارس پرداختند و نتیجه گرفتند که چیدمان فضای سکونتگاه‌های شهری و روستایی نوار ساحلی شمال خلیج فارس از خوزستان به سمت هرمزگان تفاوت اساسی دارد و از قواعد خاص خود پیروی می‌کند. محمدیان و همکاران (۱۳۹۸)، به بررسی منطق چیدمان فضایی سکونتگاه‌های شهری و روستایی نگاره جلگه خوزستان پرداخته و نگاره‌های دریایی و سرزمینی آن را مورد ارزیابی قرار

^۱ - قبل از زمان حاضر (Before Present) را، زمین‌شناسان از سال ۱۹۵۰ در نظر می‌گیرند.

^۲ Space is the Machine

^۳ Sabry Hegazi & Fouda

^۴ Batty

^۵ Van-Nes

^۶ Rashid

دادند و هورها را تعریف‌کننده هویت مکانی هورنشینی نامیدند. نعمت‌اللهی و رامشت (۱۳۹۸)، پژوهشی به بررسی و آنالیز چیدمان فضای ژئو-دموگرافیک در حوضه آبریز سواحل خلیج فارس و مدل‌سازی آن پرداختند و ضمن تدوین و ارزیابی نگاره‌های ساحلی و دریایی، متروپل‌های ساحلی را مکمل مدنیت خشکی‌پایه سرزمینی معرفی کردند و نتیجه گرفتند با شناخت ساختاری فضا و تدوین الگوهای سکونت‌گزینی در آن می‌توان آمایش بنیادین سرزمینی را احیاء و فضاهایی با چیدمان فاخرتر بنا کرد. سلگی و همکاران (۱۳۹۹)، با مشخص کردن هویت مکانی نگاره سبزوار و با تکیه بر روش پدیدارشناسی، به تحلیل داده‌های فراغینی و رابطه‌های عمیقتر نگارها (پدیده‌ها) در نگاره سبزوار پرداختند و منطق چیدمان سازمانی‌های شهری، روستایی، کلاته و مزرعه را به هویت رودخانه‌ای، دریاچه‌ای و یخچالی نسبت دادند. ولی‌پور و همکاران (۱۴۰۱)، با معرفی باغشهر دریایی به عنوان اصطلاحی جدید در حوزه متروپل‌های دریایی، به تحلیل چیدمان فضایی سکونتگاه‌های باغشهر دریایی پرداختند و با مدلسازی، تحلیل و ادراک چیدمان فضای زمین‌مردم‌نگاری^۱ گستره پژوهش، متروپل میناب - بندرعباس را به عنوان سازمانی جدیدی نام نهادند که می‌تواند الگوی جدیدی در آمایش بنیادین سرزمینی محسوب گردد. شهری (۱۴۰۱)، با بررسی نگاره سرزمینی یزد به ارتباط بین سازه انسان ساخت قنات و چیدمان فضایی بناهای مسکونی شهر یزد می‌پردازد و با تکیه بر قواعد چیدمان فضایی هیلپیر و دیدگاه پدیدارشناسی نتیجه می‌گیرد قنات در نگاره یزد نشانی هوشمندانه از خوانش منظر توسط ساکنان آن منطقه دارد و بافت تاریخی و هویت مدنی سازمانی شهری یزد حول محور قنات شکل گرفته و به‌عنوان راهبردی مدیریتی جهت حفظ و تقویت تعادل محیطی در برابر تغییرات عمده اقلیمی در جهت آمایش بنیادین سرزمینی به کار می‌رود. ولدی و همکاران (۱۴۰۱)، با بررسی پدیدارشناختی نگاره دهلران، نتیجه گرفتند سازمانی‌های اجتماعی در ایران با هویت مکانی رابطه مستقیمی دارند و این سازمانی‌های اجتماعی متشکل از سازمانی‌های شهری، روستایی و سازمانی‌های روان و نیمه‌روان، در فضاهای مشترک در کنار هم یافت شده و هیچکدام تکامل یافته دیگری نیستند.

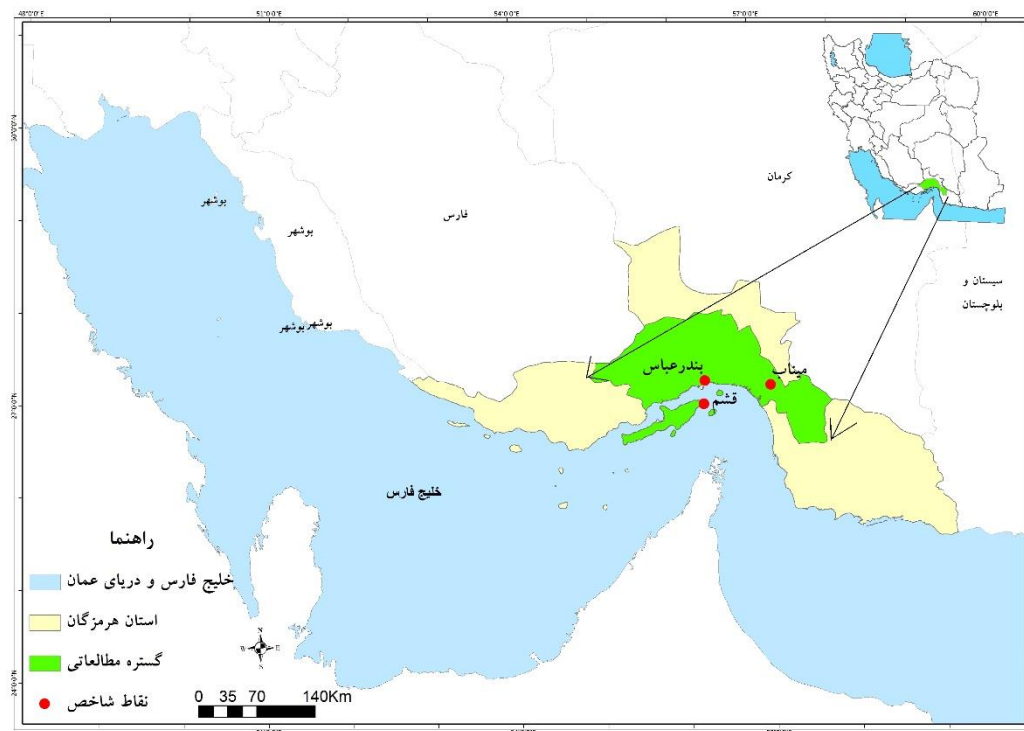
پژوهش‌های بی‌شماری در ارتباط با چیدمان فضا در ایران با استفاده از روش‌های کمی و متغیرهای موجود صورت گرفته؛ از آنجایی که روش پژوهش حاضر بر مبنای مفاهیم بنیادین آمایشی با رویکرد پدیدارشناسی است، به تحلیل و بررسی چیدمان فضایی نگاره‌های موجود در نگاره حرا با استفاده از روش پدیدارشناسی پرداخته می‌شود تا با تحلیل فراغینی، رابطه‌های عمیقتر سازمانی‌های موجود را کشف کند. همچنین با توجه به وجود فعالیت‌های بیشمار آمایش سرزمینی و در راستای آمایش مناسب جمعیتی سواحل، باید استفاده از دریا و ایجاد تمدن دریایی را مورد توجه قرار داد. این پژوهش با تبیین نگاره حرا و ارزیابی و تحلیل سازمانی‌های اجتماعی موجود در آن به دنبال ادراک فضای سکونتگاهی عرصه پژوهش است، تا از نتایج آن در مطالعات آمایش بنیادین فلات‌قاره و شکل‌گیری سازمان فضایی متروپل باغشهر دریایی استفاده شود تا سازمانی جدید با رویکرد ایجاد تعادل و توازن فضایی و منطقه‌ای بتواند چهلچراغ سواحل خلیج فارس معرفی شود.

موقعیت گستره پژوهش

گستره پژوهش "نگاره یا متن حرا"^۲ را شامل می‌شود. به منظور تهیه نگاره حرا، با اتکاء به پارامتر طبیعی اکوسیستم جنگل‌های حرا که از غربی‌ترین نقطه شهرستان بندرخمیر تا شرقی‌ترین نقطه شهرستان میناب امتداد دارد، ساحل شمالی جزیره قشم که رویشگاه دائمی جنگل‌های حرا است و با توجه به پارامتر مرکزیت شهر بندرعباس به عنوان پرجمعیت‌ترین شهر سواحل شمالی خلیج فارس و دریای مکران و نزدیکی شهر بندرعباس به مراکز سه شهرستان بندر خمیر، میناب و جزیره قشم و پتانسیل بالای کشت حرا به صورت دست‌کاشت، گستره پژوهش در فاصله مختصاتی ۲۶°۲۸'۳۲" تا ۵۷°۲۷'۵۳" عرض شمالی و ۵۴°۵۳'۹۳" تا ۵۷°۴۸'۴۹" طول شرقی، محدود می‌گردد (شکل ۲).

¹. Geodemographic

². Mangrove Land_Context

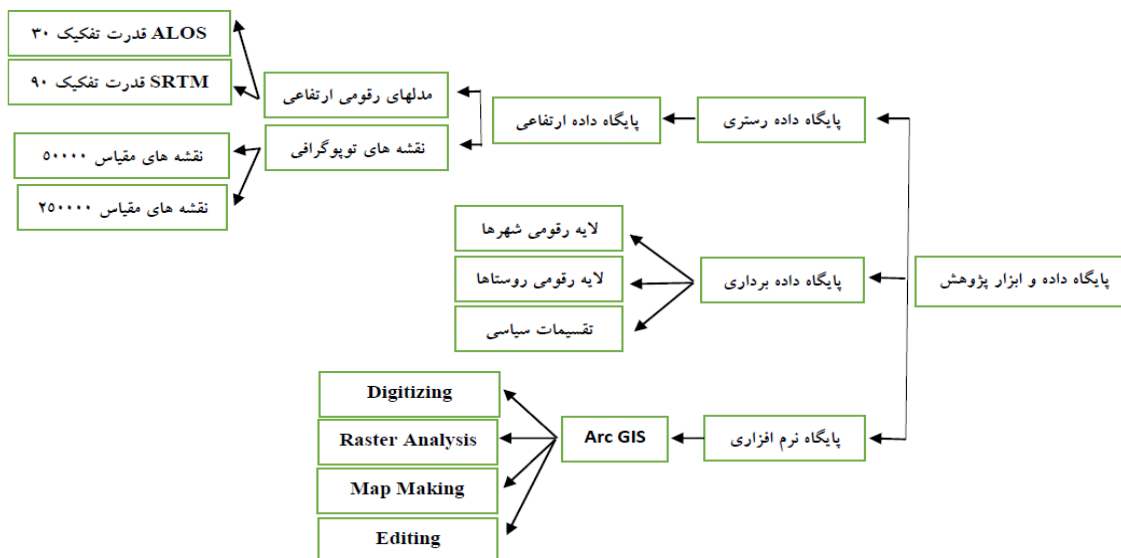


شکل ۲: موقعیت عرصه پژوهش (تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۲) (منبع: برنامه آمایش استان هرمزگان، ۱۳۹۷)

مواد و روشها

پژوهش حاضر که به تحلیل سازمندی‌های اجتماعی عرصه پژوهش می‌پردازد، با توجه به روش‌های شناخت‌شناسی منطق نحو پدیده‌ها در فضا^۱ و روش پدیدارشناسی تدوین می‌گردد؛ از این رو، در گام اول جهت دستیابی به اهداف پژوهش، به تعیین و شناخت فضای عرصه پژوهش پرداخته شد. سپس با بررسی میدانی و مطالعه منابع کتابخانه‌ای و مقالات به جمع‌آوری پایگاه داده‌ها اقدام شد. گردآوری داده‌ها در چارچوب طرح پژوهش از منابع اطلاعاتی به شرح زیر انجام شده که در سه دسته داده‌های ارتفاعی، جمعیتی و پایگاه نرم‌افزاری قرار گرفته‌اند. شکل ۳، پایگاه داده‌ها و ابزار پژوهش را نشان می‌دهد.

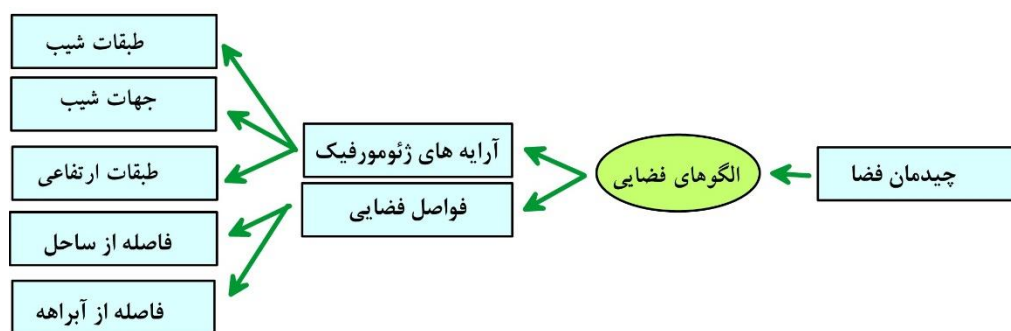
^۱. Space syntax logic of phenomena in space



شکل ۳: پایگاه داده‌ها و ابزار پژوهش (تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۲)

در مرحله بعدی با استفاده از اطلاعات آماری مرکز آمار ایران (۱۳۹۵) و اطلاعات آمایش استان هرمزگان (۱۳۹۷)، استان هرمزگان و پیرو آن سکونتگاه‌های شهری و روستایی عرصه پژوهش به عنوان مؤلفه‌های دموگرافیک، استخراج و موقعیت مکانی و جمعیت آن‌ها معین گردیده است.

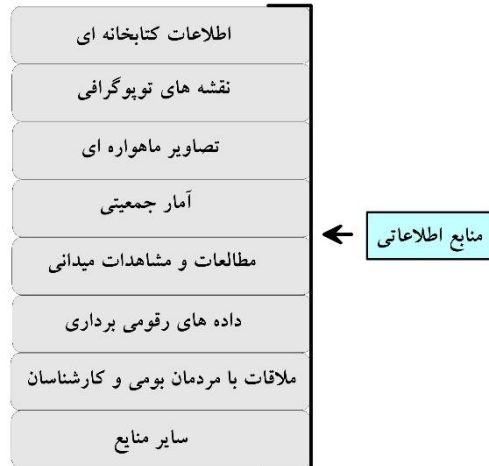
باتوجه به اینکه نحو (چیدمان) فضا به تحلیل تمامی ارتباطات عناصر فضایی با یکدیگر می‌پردازد، در این قسمت چینه‌های الگوهای فضایی (آرایه‌های هیدروژئومورفیک و فواصل فضایی) به عنوان عناصر تحلیل فضایی در چیدمان سکونتگاه‌ها در ارتباط با مؤلفه‌های محیطی در نظر گرفته شده است؛ بنابراین می‌توان نحوه آرایش فضایی و نحو عناصر فضایی را تحلیل کرد. در این گام ابتدا به تحلیل توزیع فراوانی آرایه‌های هیدروژئومورفیک پژوهش (ارتفاع، شیب، جهت شیب)، به عنوان دو بعد مکانی اقدام می‌گردد و سپس دو پارامتر فاصله از ساحل و فاصله از آبراهه‌ها در ارتباط با تعداد کانون‌های جمعیتی و جمعیت آن‌ها در فضای گستره پژوهش مورد تحلیل قرار می‌گیرد^۱ (شکل ۴).



شکل ۴: آرایه‌ها و درایه‌های چینه‌های الگوهای فضایی (تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۲)

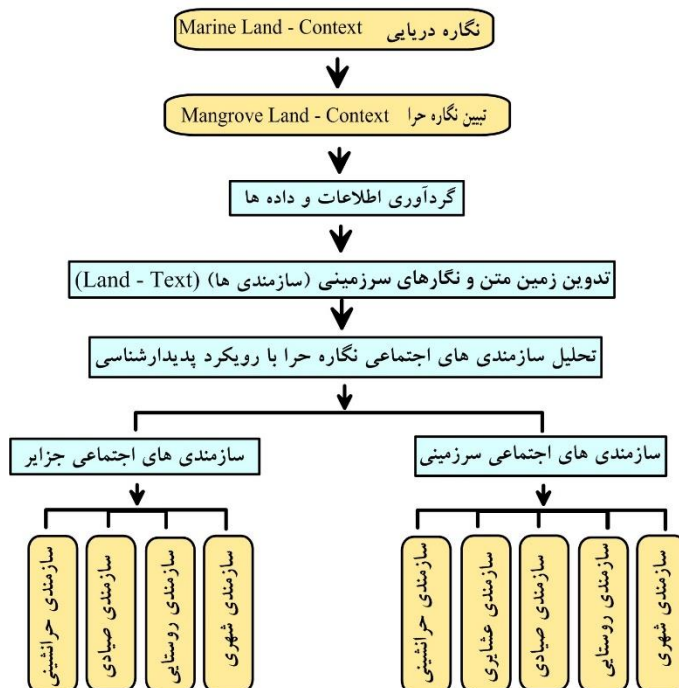
^۱ عناصر طبیعی دیگری چون شوری خاک و زمین شناسی، عناصر اقلیمی و... در حوزه طبیعی وجود داشت که چون این عناصر در گستره جنگل‌های حرا منعکس بود، لذا از تحلیل فضایی آن‌ها خودداری شد.

در گام بعدی به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، تبیین نگاره حرا و تحلیل سازماندهی‌های اجتماعی موجود در آن، اطلاعات مکتوب کتابخانه‌ای، پژوهش‌های اینترنتی، تصاویر و نقشه‌های توپوگرافی و ماهواره‌ای، داده‌ها و لایه‌های رقومی مرکز آمار ایران (۱۳۳۵ - ۱۳۹۵) و سازمان برنامه و بودجه استان هرمزگان، مشاهدات میدانی و ملاقات با مردمان بومی و کارشناسان مربوطه گردآوری گردید (شکل ۵) و با اتکاء به روش پدیدارشناسی در حوزه چیدمان فضا، به تحلیل نگارها (سکونتگاه‌های شهری و روستایی سرزمین اصلی و جزایر) در نگاره حرا پرداخته شد (شکل ۶).



شکل ۵: منابع اطلاعاتی مورد استفاده در تدوین نگاره حرا (تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۲)

در گام نهایی پس از شناسایی و تحلیل سازماندهی‌های اجتماعی موجود در نگاره حرا و بافت هویتی این کانون‌های جمعیتی، به معرفی متروپل باغشهر دریایی پرداخته و نقش سازماندهی‌های اجتماعی موجود در گستره پژوهش را در ایجاد سازماندهی جدید و هوشمند متروپل باغشهر دریایی، مورد بررسی قرار گرفت.



شکل ۶: الگوریتم تبیین نگاره حرا (تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۲)

بحث و دستاوردها

آرایه های هیدروژئومورفیک

در ابتدا ارتفاع به عنوان اولین مؤلفه هیدروژئومورفیک، در جهت محدودکنندگی توسعه سکونتگاه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. جدول ۱ نشان می‌دهد که تقریباً با افزایش ارتفاع از سطح دریا، تعداد سکونتگاه‌های شهری، روستایی و جمعیت آنها کاهش می‌یابد، به‌گونه‌ای که بیشترین تعداد و جمعیت ساکن در سکونتگاه‌های شهری و روستایی عرصه پژوهش، در ارتفاع ۱۰ تا ۵۰ متر سکونت گزیده‌اند؛ اما با دقت بیشتر، یک توزیع نرمال در تعداد روستاها و جمعیت روستایی مشاهده می‌شود. البته کلاس ارتفاعی ۱۰۰ تا ۲۰۰ متر یک ناهماهنگی در روند کلی توزیع نرمال ایجاد کرده، به‌گونه‌ای که هیچ سکونتگاه شهری در این ارتفاع دیده نمی‌شود که نشان‌دهنده تأثیر ساحل در جذب جمعیت است؛ همچنین سکونتگاه‌های روستایی این کلاس ارتفاعی، از کمترین جمعیت برخوردارند.

جدول ۱: تعداد سکونتگاه‌های شهری، روستایی و جمعیت آنها در طبقات ارتفاعی

| طبقات ارتفاعی | تعداد شهر | جمعیت شهری | تعداد روستا | جمعیت روستایی |
|-----------------|-----------|------------|-------------|---------------|
| ۱۰-۰ | ۰ | ۰ | ۴۳ | ۶۲۰۳۳ |
| ۵۰-۱۰ | ۸ | ۶۷۵۳۶۷ | ۲۴۴ | ۲۱۲۷۲۴ |
| ۱۰۰-۵۰ | ۳ | ۲۴۰۷۴ | ۴۶ | ۵۴۶۸۱ |
| ۲۰۰-۱۰۰ | ۰ | ۰ | ۳۰ | ۱۲۸۳۸ |
| ۵۰۰-۲۰۰ | ۴ | ۱۹۱۳۰ | ۱۵۵ | ۵۷۸۶۹ |
| ۱۰۰۰-۵۰۰ | ۰ | ۰ | ۶۳ | ۱۳۲۶۱ |
| بیش از ۱۰۰۰ متر | ۰ | ۰ | ۲۳ | ۴۴۷۵ |

دومین مؤلفه هیدروژئومورفیک، شیب است که در آن، نقش ساحل، جلگه و دشت‌های ساحلی در تمرکز جمعیت در سکونتگاه‌های شهری، روستایی و تعداد آنها برجسته و چشمگیر است (جدول ۲). به‌طوری‌که تعداد سکونتگاه‌های شهری، روستایی و جمعیت آنها در کلاس شیب ۰ تا ۲ درصد افزون و اختلاف این کلاس با سایر طبقات افزایش یافته است؛ همچنین با افزایش درصد شیب، از تعداد و جمعیت این سکونتگاه‌ها کاسته می‌شود. سومین مؤلفه هیدروژئومورفیک محدودکننده توسعه سکونتگاه‌ها، جهت شیب است. اطلاعات جدول ۳ نشان می‌دهد که اغلب سکونتگاه‌های شهری و روستایی در جهات شیب شرق تا غرب قرار دارند؛ البته بیشترین سکونتگاه‌های شهری در جهت شیب جنوبی‌اند که نقش ساحل را در مکان استقرار آنها، پررنگ‌تر می‌نماید.

جدول ۲: تعداد سکونتگاه‌های شهری، روستایی و جمعیت آنها در طبقات شیب

| جمعیت روستایی | تعداد روستا | جمعیت شهری | تعداد شهر | طبقات شیب |
|---------------|-------------|------------|-----------|-----------|
| ۲۸۹۸۰۳ | ۳۳۷ | ۴۸۲۰۳ | ۸ | ۰-۲ |
| ۹۶۰۳۸ | ۱۵۹ | ۶۰۸۶۰۷ | ۴ | ۲-۶ |
| ۱۲۸۶۵ | ۳۷ | ۴۷۲۰۶ | ۲ | ۶-۹ |
| ۱۳۰۴۸ | ۳۷ | ۰ | ۰ | ۹-۱۵ |
| ۵۳۸۰ | ۳۰ | ۰ | ۰ | ۱۵-۳۰ |
| ۷۴۷ | ۴ | ۱۴۵۲۵ | ۱ | ۳۰-۴۵ |
| ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۴۵-۶۰ |

جدول ۳: تعداد سکونتگاه‌های شهری، روستایی و جمعیت آنها در جهات شیب

| جهت شیب | تعداد شهر | جمعیت شهری | تعداد روستا | جمعیت روستایی |
|--------------------------------------|-----------|------------|-------------|---------------|
| Flat (-1) | ۰ | ۰ | ۱۶ | ۷۵۰۲ |
| North (0° to 22.5°) (337.5° to 360°) | ۰ | ۰ | ۶۲ | ۳۰۳۹۴ |
| Northeast (22.5° to 67.5°) | ۰ | ۰ | ۷۰ | ۵۵۵۴۹ |
| East (67.5° to 112.5°) | ۳ | ۶۱۰۹۴ | ۵۳ | ۴۲۳۳۴ |
| Southeast (112.5° to 157.5°) | ۲ | ۹۶۴۰ | ۸۳ | ۵۷۰۴۴ |
| South (157.5° to 202.5°) | ۵ | ۵۴۶۴۳۹ | ۸۴ | ۵۸۸۱۶ |
| Southwest (202.5° to 247.5°) | ۳ | ۸۴۱۶۳ | ۹۶ | ۵۷۵۹۷ |
| West (247.5° to 292.5°) | ۲ | ۱۷۲۳۵ | ۸۲ | ۶۵۷۴۹ |
| Northwest (292.5° to 337.5°) | ۰ | ۰ | ۵۸ | ۴۲۸۹۶ |

فاصله از ساحل

با مشاهده اطلاعات جدول ۴ مشخص می‌گردد که بیشترین سکونتگاه‌های شهری در فاصله ۵ کیلومتری از ساحل واقع شده و با فاصله گرفتن از ساحل، روند کاهشی در تعداد و جمعیت آنها مشاهده می‌گردد؛ در نتیجه، ساحل عامل برتر در جذب جمعیت سکونتگاه‌های شهری به شمار رفته و به تعبیر دیگری یک عنصر تاثیرگذار فضایی است. این روند کاهشی در تعداد و جمعیت سکونتگاه‌های روستایی نیز قابل مشاهده است.

جدول ۴: تعداد سکونتگاه‌های شهری، روستایی و جمعیت آنها بر اساس پارامتر فاصله از ساحل

| فاصله از ساحل (کیلومتر) | تعداد شهر | جمعیت شهری | تعداد روستا | جمعیت روستایی |
|-------------------------|-----------|------------|-------------|---------------|
| ۵ | ۶ | ۶۰۸۷۶۹ | ۸۳ | ۱۱۱۸۴۰ |
| ۱۰ - ۵ | ۰ | ۰ | ۲۷ | ۲۳۵۳۴ |
| ۲۵ - ۱۰ | ۲ | ۷۷۴۳۳ | ۱۷۷ | ۱۵۳۶۴۲ |
| ۵۰ - ۲۵ | ۴ | ۱۵۱۵۴ | ۱۶۹ | ۸۹۸۲۳ |
| ۱۰۰ - ۵۰ | ۳ | ۱۷۲۱۵ | ۱۵۰ | ۳۹۹۵۹ |

فاصله از آبراهه‌ها

در ارتباط با پارامتر فاصله از آبراهه‌ها، اطلاعات جدول ۵ نشان می‌دهد که جمعیت به عنوان یک متغیر وابسته چگونه به پارامتر فاصله از آبراهه به عنوان یک عنصر فضایی پاسخ می‌دهد؛ به عبارت دیگر در فواصل نزدیک رودخانه‌ها و شبکه زهکشی، بعد فاصله عملکرد قوی‌تری نشان می‌دهد. بدین ترتیب بیشترین تعداد کانون جمعیت شهری (۸ کانون جمعیتی شهری با جمعیتی معادل ۶۳۹۶۹۸ نفر) و روستایی (۲۹۲ کانون روستایی با جمعیتی معادل ۱۵۶۲۸۶ نفر) در فاصله ۵۰۰ متری از آبراهه‌ها شکل گرفته‌اند و هرچه میزان این فاصله افزایش می‌یابد، تعداد و جمعیت سکونتگاه‌های شهری و روستایی کاهش می‌یابد. بدین ترتیب با فاصله گرفتن از آبراهه‌ها، با روند کاهشی در تعداد و جمعیت سکونتگاه‌های شهری و روستایی مواجه می‌شویم که نقش عامل آبراهه‌ها را در جذب جمعیت سکونتگاه‌های شهری و روستایی پررنگ‌تر می‌نماید.

جدول ۵: تعداد سکونتگاه‌های شهری، روستایی و جمعیت آنها بر اساس پارامتر فاصله از آبراهه‌ها

| جمعیت روستایی | تعداد روستا | جمعیت شهری | تعداد شهر | فاصله از آبراهه (متر) |
|---------------|-------------|------------|-----------|-----------------------|
| ۱۵۶۲۸۶ | ۲۹۲ | ۶۳۹۶۹۸ | ۸ | ۵۰۰ |
| ۱۶۷۴۸۰ | ۲۰۳ | ۷۸۸۷۳ | ۴ | ۱۰۰۰ - ۵۰۰ |
| ۸۷۰۸۱ | ۱۰۴ | ۴۸۷۱ | ۱ | ۲۰۰۰ - ۱۰۰۰ |
| ۲۷۲۷ | ۲ | ۵۸۹۱ | ۱ | ۳۰۰۰ - ۲۰۰۰ |
| ۵۲۲۴ | ۵ | ۰ | ۰ | ۴۰۰۰ - ۳۰۰۰ |
| ۰ | ۰ | ۴۰۶۷۸ | ۱ | ۵۰۰۰ - ۴۰۰۰ |

تبیین نگاره (متن) حرا و سازمندی‌های اجتماعی (نگاره)

نگاره حرا دارای هویت منحصر به فردی است که افتراق‌های چشم‌اندازی و سازمندی‌های محیطی متنوعی خلق کرده است (شکل ۷). جهت تبیین و استخراج منطق چیدمان نگارها در نگاره حرا، به نقش تحول‌آفرین فاصله سکونتگاه‌ها از آبراهه‌ها و فاصله از ساحل در این گستره معطوف شده و کانون‌های جمعیتی نگاره حرا (Land Context)، به عنوان نگارهای گستره پژوهش (Land-Text) تبیین می‌گردند. هر سازمندی اجتماعی محیطی موجود در نگاره حرا، دارای هویت مستقل و منحصر به فردی هستند که ممکن است در قالب شهر، روستا و ... ظاهر گردند که تفاوت‌های هویت‌مندی با یکدیگر دارند؛ اگرچه به همه این سازمندی‌های اجتماعی، روستا و شهر اطلاق می‌شود. در ادامه سازمندی‌های اجتماعی واقع در نگاره حرا به دو گروه نگارهای سرزمین مادری و نگارهای جزایر تقسیم‌بندی شده و تشریح می‌گردند.



شکل ۷: نگاره حرا (تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۲) (منبع: برنامه آمایش استان هرمزگان، ۱۳۹۷)

سازمندی شهری

طبق تقسیمات سیاسی کشور، سکونتگاه‌های شهری سرزمین مادری، شامل ۳ نقطه شهری با هویت تاریخی بندرعباس (گمبرون/سال‌مونت - شهری نزدیک منطقه گنو- اقتداری، ۱۳۸۸: ۲۳)، میناب (هرمز کهنه) و شهر ساحلی بندر خمیر می‌باشند. به طور کلی به غیر از شهرهایی نظیر بندرعباس که به علت موقعیت استراتژیکی و یا میناب که به دلیل پیشینه تاریخی و سابقه شهرنشینی وابسته به عوامل انسانی و ناحیه‌ای که در نزدیکی منابع آب شیرین قرار گرفته است و بندر خمیر که به واسطه صنایع دریانوردی و کشتی‌سازی، شکل گرفته‌اند، دیگر سکونتگاه‌های شهری (۸ شهر)، سکونتگاه‌های روستایی بوده‌اند که بنابر دلایل سیاسی-اداری، اقتصادی و موقعیت مکانی خود به ترتیب از دهه ۱۳۷۰ شمسی به نقطه شهری تبدیل گشته‌اند، که از تجمیع چندین روستا و یا به واسطه افزایش جمعیت و وسعت یک روستا به وجود آمده‌اند؛ لذا از منظر هویتی، نمی‌توان به آنها لفظ شهرنشین اطلاق کرد، زیرا معیشت اصلی آنها کشاورزی و دامداری است و در حال حاضر فاقد هرگونه امکانات، تجهیزات و خدمات زیربنایی برای شهرشدن هستند. شهرهای فین، رویدر، تازیان پایین، تخت، قلعه‌قازی، سندرک، هشتبندی و تیروز، روستاها یا به عبارتی سکونتگاه‌های روستایی هستند که به نقطه شهری تبدیل و در زمره تقسیمات سیاسی شهری به حساب می‌آیند. بنابراین اکثر سازمندی‌های شهری سرزمین مادری را روستاها و شهرهای کوچک تشکیل می‌دهند که جمعیت آنها کمتر از ۵۰ هزار نفر می‌باشد (شکل ۸).

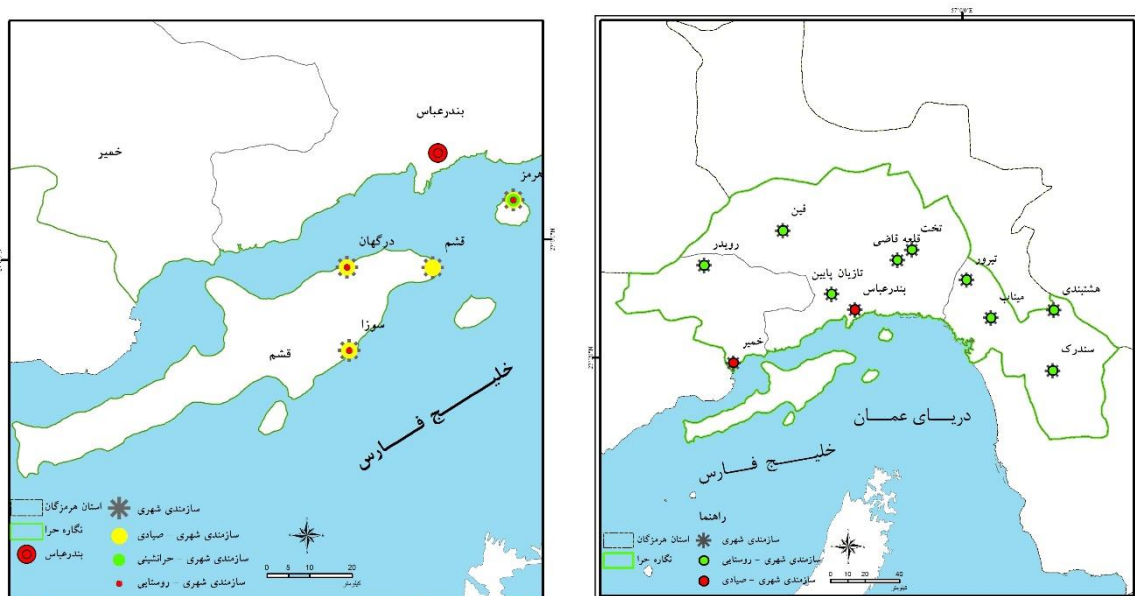
از نقطه نظر ارتفاعی، سازمندی‌های شهری خمیر، میناب، بندرعباس و تیروز تا ارتفاع ۵۰ متر، قلعه‌قازی، تخت و تازیان پایین تا ارتفاع ۱۰۰ متر، فین، رویدر، هشتبندی و سندرک نیز در ارتفاع ۲۰۰ تا ۵۰۰ متری از سطح دریا واقع شده‌اند، که نشان‌دهنده نقش ساحل در شکل‌گیری این کانون‌های جمعیتی و جمعیت‌پذیری آنها می‌باشد. نکته‌ای که در پژوهش حاضر شایان توجه است، این است که ممکن است سکونتگاهی بنابر موقعیت و نقش کارکردی خود در زمره سایر سازمندی‌های اجتماعی قرار بگیرد. به عنوان مثال، سکونتگاه‌های شهری-ساحلی بندرعباس و بندر خمیر به دلیل برخورداری از ساحل می‌توانند به عنوان سازمندی اجتماعی صیادی (سازمندی ساحل‌نشینی) نیز معرفی گردند؛ زیرا ساکنین اولیه این شهرها توسط صیادی، دریانوردی و تجارت با سایر کشورهای حوزه خلیج فارس امرارمعاش می‌کردند و اکنون نیز عمده فعالیت اقتصادی شهر بندرعباس به عنوان بزرگترین بندر سواحل جنوبی کشور، تجارت دریایی، صیادی و مزارع پرورش میگو می‌باشد و بندر خمیر نیز در صنایع کشتی‌سازی، دریانوردی و ماهیگیری نقش مؤثری را در اقتصاد سواحل جنوبی کشور ایفا می‌کند.

سکونتگاه‌های شهری فین، رویدر، تازیان پایین، تخت، قلعه‌قازی، سندرک، هشتبندی و تیروز با توجه به این که در فاصله حداکثر ۱۰۰۰ متری از آبراهه‌ها و رودخانه‌های اصلی و فصلی قرار دارند و از قدیم‌الایام به کشاورزی، دامداری و صنایع دستی روستایی می‌پرداخته‌اند نیز، می‌توانند به عنوان سازمندی روستایی معرفی گردند. اکثر این سکونتگاه‌ها که در ناحیه مابین نقطه شهری بندرعباس و میناب واقع شده‌اند، با حصار از درختان نخل و مرکبات، به عنوان تأمین‌کننده محصولات کشاورزی استان هرمزگان و استان‌های همجوار قلمداد می‌شوند و همچنین به دلیل نزدیکی به ساحل خلیج فارس (حداکثر ۱۰۰ کیلومتر)، در اقتصاد بین‌الملل به عنوان صادرکننده این محصولات به کشورهای حوزه خلیج فارس در نقش فرمانطقه‌ای عمل می‌کنند. شکل ۸ موقعیت سازمندی‌های شهری سرزمین مادری را نشان می‌دهد.

سکونتگاه‌های شهری جزایر شامل ۴ نقطه شهری قشم، درگهان، هرمز و سوزا می‌باشند که در جزیره قشم و جزیره هرمز واقع شده‌اند (شکل ۹). از این میان، شهر قشم با توجه به موقعیت استراتژیکی آن و قرارگیری در تنگه هرمز و استقلال نسبی به واسطه نظارت مستقیم سازمان مناطق آزاد تجاری کشور بر آن، بیشترین امکانات شهری را داراست و به دلیل نزدیکی به شهر بندرعباس بیشترین مراودات روزمره با آن صورت می‌گیرد، می‌تواند به عنوان تنها شهر مهم جزایر قلمداد گردد. شهر هرمز (جزیره هرمز) پس از حمله مغول‌ها به ایران و به دنبال مهاجرت اهالی هرمز کهنه (میناب) به این جزیره، بنا نهاده شد (برنامه آمایش استان هرمزگان، ۱۳۹۷) و پس از انقلاب (۱۳۶۲) به عنوان نقطه شهری معرفی گردید که با وجود ۴ دهه

متمادی از تأسیس آن، کمترین امکانات شهری را داراست. شهر درگهان (۱۳۸۳) به دلیل موقعیت تجاری ویژه آن و نزدیکی با شهر قشم به نقطه شهری تبدیل شده است؛ هرچند که مانند شهر هرمز فقدان و کمبود امکانات و تأسیسات زیربنایی شهری در آن ملموس است و تنها تعدادی مرکز خرید، رنگ و لعابی مدرن به این سکونتگاه بخشیده است. سوزا (۱۳۷۹) نیز بنابر دلایل سیاسی و امنیتی، افزایش جمعیت، مکان‌گزینی در ساحل جنوبی جزیره قشم و نزدیکی به کشور امارات تبدیل به نقطه شهری شده است و فاقد امکانات و تأسیسات زیربنایی شهری است.

با وجود این که سازماندهی‌های شهری جزایر را قشم، سوزا، هرمز و درگهان تشکیل می‌دهند، آنها را می‌توان در زمره سازماندهی‌های روستایی، صیادی و حرانشینی به حساب آورد؛ چراکه انبوه‌ترین رویشگاه‌های حرا در منطقه مابین شهر ساحلی بندر خمیر و شهر درگهان واقع شده‌اند که معیشت برخی از ساکنان آنها، منحصراً به حرا وابسته است. همچنین در منطقه‌ای از ساحل جزیره هرمز نیز جنگل‌های حرا خودنمایی می‌کنند که از دیرباز معیشت گروهی از ساکنان جزیره هرمز به آن وابسته بوده است. همچنین، ساکنین این سکونتگاه‌ها (علی‌الخصوص سوزا) سابقه طولانی در دریانوردی، صیادی، تجارت با کشورهای حوزه خلیج فارس و کشتی‌سازی دارند؛ بنابراین می‌توان سازماندهی‌های شهری جزایر را سازماندهی صیادی نیز به



حساب آورد. شکل ۹ موقعیت سازماندهی‌های شهری جزایر را نشان می‌دهد.

شکل ۸: سازماندهی شهری سرزمین مادری شکل ۹: سازماندهی شهری جزایر (تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۲)

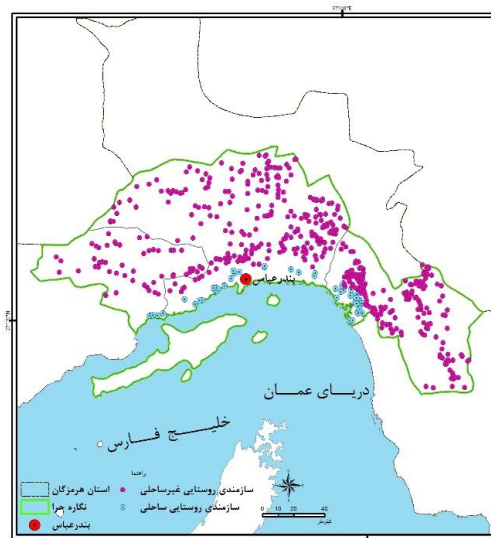
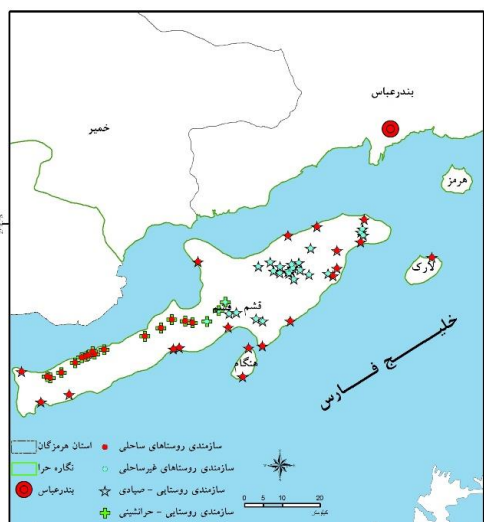
سازماندهی روستایی

سازماندهی‌های روستایی سرزمین مادری شامل روستاهای ساحلی و غیرساحلی می‌باشند. سازماندهی‌های روستایی غیرساحلی، عمده فعالیتشان بر پایه کشاورزی، نخل‌داری، پرورش انواع دام و زنبورداری است که اکثر آنها در ناحیه مابین نقطه شهری بندرعباس و میناب واقع شده که تأمین‌کننده محصولات کشاورزی استان هرمزگان، استان‌های همجوار و سراسر کشور هستند و همچنین به دلیل نزدیکی به ساحل خلیج فارس (حداکثر ۱۰۰ کیلومتر)، محصولات زراعی، باغی، صنایع دستی و دامی خود را به کشورهای حوزه خلیج فارس صادر می‌کنند و در نقش سازماندهی‌های فرمانطقه‌ای عمل می‌کنند. این در حالی است که روستاهای ساحلی خلیج فارس عمدتاً بر پایه درآمدهای حاصل از منابع دریایی و به ویژه ماهیگیری شکل گرفته‌اند و صید سنتی، اصلی‌ترین فعالیت ساکنین این سکونتگاه‌ها را تشکیل می‌دهد. ۵۰ سکونتگاه روستایی که تا فاصله

۱۰ کیلومتری از ساحل و تا ارتفاع ۲۰ متری از سطح دریا قرار گرفته‌اند، سازماندهی روستایی ساحلی گستره پژوهش را تشکیل می‌دهند (شکل ۱۰).

از نقطه نظر ارتفاعی، ۲۲۷ سازماندهی روستایی تا ۵۰ متر از سطح دریا و با فاصله ۲۵ کیلومتری از ساحل شکل گرفته‌اند که نشان‌دهنده نقش ساحل در شکل‌گیری این کانون‌های جمعیتی و جمعیت‌پذیری آنها می‌باشد. همچنین ۴۹۵ سازماندهی روستایی با فاصله ۱۰۰۰ متری از آبراهه‌ها، رودخانه‌های اصلی و فصلی و ۵۱ سازماندهی روستایی در فاصله ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ متری از آبراهه‌ها واقع شده‌اند؛ همچنین اکثر سازماندهی‌های روستایی گستره سرزمینی پژوهش در شیب صفر تا ۶ درصد تشکیل شده‌اند که نقش جلگه، ساحل، آبراهه‌ها و دشت‌های ساحلی را در تمرکز جمعیت این کانون‌ها، پررنگ‌تر می‌نماید. نکته شایان توجه این است که تعدادی از سازماندهی‌های روستایی ساحلی در اکوسیستم طبیعی حرا تشکیل شده‌اند که زندگی آنها از قدیم‌الایام به رویشگاه‌های حرا وابسته بوده و از آنها تحت عنوان "سازماندهی حرائشینی" نام برده می‌شود و چند سازماندهی روستایی نیز در زمره مدنیت روان و "سازماندهی عشایری" قرار می‌گیرند که در ادامه بدان پرداخته می‌شود. شکل ۱۰ موقعیت سازماندهی‌های روستایی سرزمین مادری را نشان می‌دهد.

سازماندهی‌های روستایی جزایر، در جزایر قشم، لارک و هنگام واقع شده‌اند. این سکونتگاه‌ها، شامل روستاهای ساحلی (۳۴ کانون) و روستاهای غیرساحلی (۲۶ کانون) می‌باشند (با فاصله ۲ کیلومتری از ساحل جزیره قشم). ۴۲ سازماندهی روستایی، عمده درآمد خود را از راه تجارت دریایی، ماهیگیری، کشتی‌سازی و صیادی کسب می‌کنند که می‌توان سازماندهی صیادی نیز به آنها لقب داد و معیشت روزمره ۱۸ کانون جمعیتی نیز، بر پایه اکوسیستم جنگل‌های شناور دریایی حرا شکل گرفته است که در زمره سازماندهی حرائشینی نیز قرار می‌گیرد. شکل ۱۱ موقعیت سازماندهی‌های روستایی جزایر را نشان می‌دهد.



شکل ۱۰: سازماندهی روستایی سرزمین مادری شکل ۱۱: سازماندهی روستایی جزایر (تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۲)

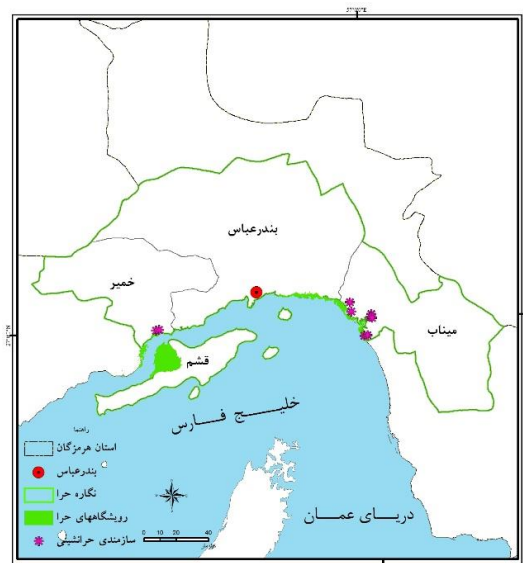
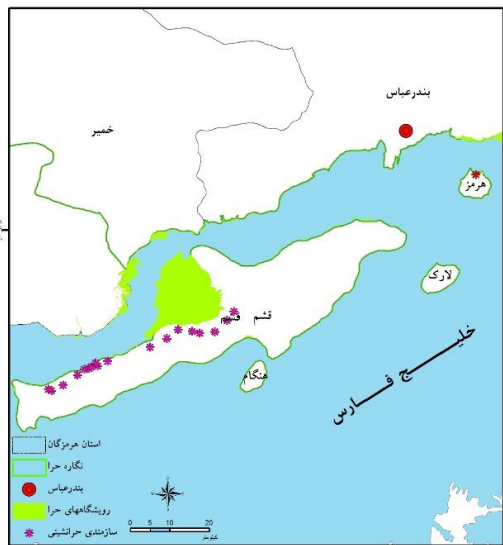
سازماندهی حرائشینی

جنگل‌های شناور دریایی (مانگرو) عنوان خوبی است که می‌توان به اکوسیستم حرا لقب داد که در خورخوران (بندر خمیر و قشم)، خور کولغان و خور حسن‌لنگی و جلایی (مصب رودخانه شور و حسن‌لنگی)، خور کلاهی، تیاب و خور مشدر، بهینه و کرگان می‌توان آنها را مشاهده کرد. گستردگی این جنگل‌ها در حوزه جنگلی خمیر-قشم به وسعت $۸۵۸۳/۳$ هکتار و حوزه جنگلی کولغان-کلاهی به وسعت $۱۵۱۳/۴$ هکتار (دانه‌کار، ۱۳۸۵) نشان از وجود یک هویت مکانی و مدنیت اجتماعی، به عبارتی مدنیت مبتنی بر اکوسیستم حرا (مدنیت حرائشینی) دارد. این مدنیت دارای یک ساختار اجتماعی خاص است و یک

ارتباط ساختاری با محیط پیرامون خود دارد که می‌تواند به عنوان "سازمندی اجتماعی حراشینی"، مد نظر قرار گیرد و وارد ادبیات جغرافیایی شود. شرایط طبیعی منحصربه‌فرد و تعامل ساکنین این منطقه با امکانات، فرصت‌ها و محدودیت‌های محیطی موجب می‌گردد که ساختار اجتماعی-اقتصادی خاصی به وجود آید و جمعیتی که ساکن در این منطقه شده‌اند، به فعالیت‌های خاصی دست بزنند و روابط اجتماعی ویژه‌ای دارند که در سایر نقاط مشاهده نمی‌گردد؛ به تعبیری دیگر، سازمندی حراشینی چارچوب خود را از هویت مکانی حرا، گرفته و بر اساس اینکه این هویت مکانی تعریف‌کننده چه جذابیت محیطی باشد، الگو و سازمندی اجتماعی خاصی را نیز شکل داده است.

معیشت حراشینان از طریق جنگل‌های حرا انجام می‌شده است. به عبارت دیگر، سازمندی حراشینی شیوه‌ای از زندگی ساحلی است که در مجاورت اکوسیستم حرا شکل می‌گیرد و این نوع استقرار بشری را نمی‌توان سازمندی روستانشینی نامید، زیرا فاقد هنر کشاورزی و زمین برای زرع هستند و با وجود جزرومد ساحلی، مدنیت سیال و روانی نیز ندارند؛ با این وجود طبق تقسیمات کشوری به عنوان سکونتگاه‌های روستایی قلمداد شده‌اند. این جوامع یکجانشین هستند و به ماهیگیری، پرورش حیوانات اهلی و تجارت دریایی مشغول و منازل خود را از درخت خرما و حرا می‌سازند. جهت عبور و مرور در مسیرهای آبی اکوسیستم حرا از قایق‌های باریک و طویل خود استفاده می‌کنند و خصلت‌ها و ویژگی‌های خاص سازمندی اجتماعی خود را دارا هستند. سازمندی‌های حراشینی سرزمین مادری شامل ۷ کانون جمعیتی کلاهی، تیاب، کرگان، کهنه‌شهر، کمبیل، کشقلمان بالا و کشقلمان پایین (شهرستان میناب) و ۲ کانون جمعیتی باقی‌آباد و چاه صحاری (شهرستان بندر خمیر)، می‌باشند که در شکل ۱۲ ترسیم شده است. البته مناطقی از شهرستان‌های ساحلی گستره پژوهش، تحت کاشت مصنوعی حرا قرار گرفته است، لیکن به عنوان کانون جمعیتی شناخته نمی‌شوند.

۱۸ کانون جمعیتی (گورزین، هفت‌رنگو، سهیلی، طبل، ملکی، دوربنی، گوران، دهخدا، چاهو شرقی، چاهو غربی، دولاب، تم‌گس، عایشه آباد، درکوه، سرریگ، کنار سیاه، گوری، مرادی) در قسمت شمال غربی جزیره قشم و همجوار با ساحل بندر خمیر و شهرستان بندر لنگه، بر پایه معیشت حرایبی شکل گرفته‌اند و مردمان آن از اکوسیستم طبیعی رویشگاه‌های حرا به عنوان منبع اصلی امرار معاش خود، بهره می‌برند که از آنها به عنوان سازمندی حراشینی نام برده می‌شود (شکل ۱۳). پرنده‌بینی، قایقرانی در جنگل‌های شناور دریایی حرا، استفاده از چوب درختان حرا در ساخت منازل و وسایل شکار و ...، ذغال چوب درختان حرا، سرشاخه‌های درختان حرا و چنند جهت تأمین علوفه دامها، استفاده دارویی از گل‌ولای موجود در درختان حرا جهت کاهش دردهای عضلانی و کاهش وزن، تهیه و تولید عسل حرا، آبی‌پروزی، اکوتوریسم و ... به عنوان روش‌های استفاده و کسب درآمد از این اکوسیستم با ارزش به حساب می‌آید که مردمان این سکونتگاه‌ها بدان روی آورده‌اند. سبک زندگی تمامی این سکونتگاه‌ها مانند هم و سلسله مراتب عرفی، فرهنگی و اجتماعی منحصر به فرد و خاص خود را دارند. اهل تسنن و مالک هستند و صیادی شغل اغلب آنان می‌باشد که در ارتباط با رویشگاه‌های حرا است. در این سکونتگاه‌ها، مسائل اجتماعی از جمله ازدواج زودهنگام، چندهمسری، و وابستگی زیاد به دریا (عرق به دریا) و احساس مالکیت به دریا وجود دارد. سنت و مشاغل آباء و اجدادی با نزدیکی به جنگل‌های مانگرو به عنوان صیدگاه آبیان و توقع پایین از زندگی با نبود معیشت جایگزین، در ارتباط است (چمن‌آرا، ۱۳۹۵: ۵۹). مسائل اقتصادی مانند موروثی دانستن دریا، اعتقاد بر درست بودن فعالیت‌های مردم محلی و ریش‌سفیدان، اعتقاد بر نادرست بودن فصل صید دولتی، پایین بودن سطح توقع زندگی و فرهنگ سینه‌به‌سینه کسب روزی از دریا، خاصه مردمان این سازمندی است که در جایی دیگر یافت نمی‌شود شکل ۱۳ موقعیت سازمندی‌های حراشینی جزایر را نشان می‌دهد.



شکل ۱۲: سازمندی حرائشینی سرزمین مادری شکل ۱۳: سازمندی حرائشینی جزایر (تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۲)

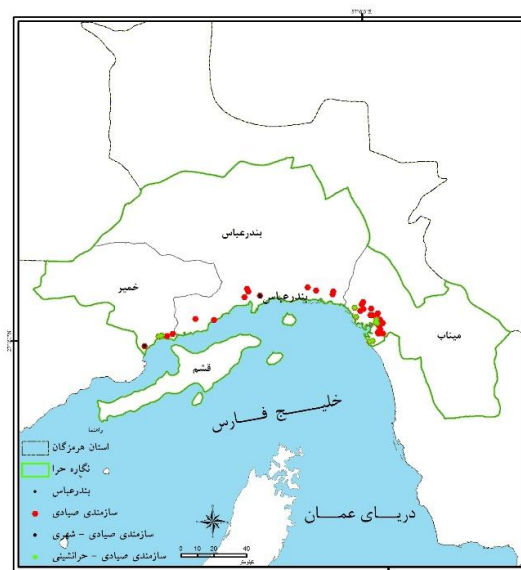
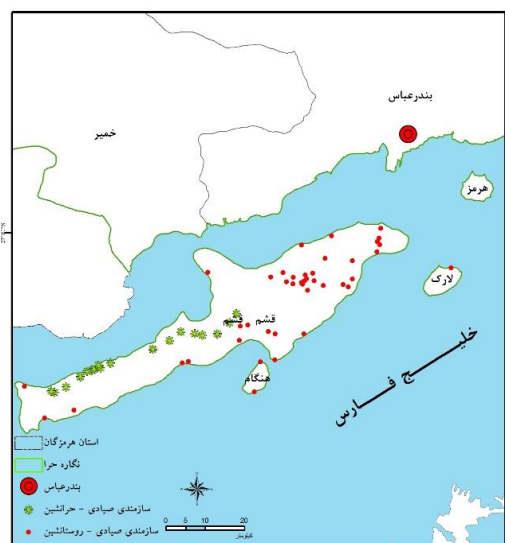
سازمندی صیادی (سازمندی ساحل‌نشینی)

جوامع و اقتصاد دریایی خلیج فارس شاهد نظام اقتصادی سنتی مبتنی بر تقسیم کار، تولید بر اساس مزیت نسبی و رابطه برابر مبتنی بر اعتماد متقابل میان تولیدکننده، واسطه و مصرف‌کننده بوده است. در این نظام اصولی چون گوهر (نژاد)، هنر (مهارت و تخصص در حرفه‌ای خاص) و منزلت (پایگاه اجتماعی)، قشربندی جماعات و گروه‌های اجتماعی را سبب می‌شده است (بحرانی‌پور، ۱۳۹۴: ۲۴). "سازمندی صیادی" یا "سازمندی ساحل‌نشینی"، شامل سکونتگاه‌هایی است که در نوار ساحلی خلیج فارس مستقر و دارای سلسله‌مراتبی از یک سازمندی اجتماعی هویت‌مند هستند که ساحل و دریا جزو لاینفک زندگی آنهاست و اقتصاد معیشتی آنها در گرو دریا و تمامی متعلقات آن است که تجارت دریایی، ماهیگیری، دریانوردی، کشتی‌سازی و ... را شامل گشته و پیروی از سلسله‌مراتب سکونتگاهی و قشربندی خاص اجتماعی آن، به آنها هویت مکانی خاصی بخشیده، که منحصر به فرد می‌باشد. در سلسله‌مراتب سازمندی صیادی، نقش عواملی چون ثروت، منزلت و قدرت، موجب قشربندی خاصی بین دریانوردان شده است و این نقش، در طبقه‌بندی سکونتگاهی و زندگی روزمره ساکنان آن نیز نمود پیدا کرده است، تاجایی که منزلت بازرگانان و ناخدایان در بخش‌های خوب و اعیانی بنادر، و ماهیگیران خرده‌پا، غواصان و قش‌ها (جاشوها) نیز در بخش‌های حاشیه‌ای بنادر می‌زیست‌اند. این ساختار سلسله‌مراتبی، در میان صیادان روستاها نیز وجود دارد؛ بدین صورت که افراد برای رفع مشکلات خود تنها به یک رده بالاتر از خود مراجعه می‌کنند، یعنی خدمه به ناخدا، ناخدا به مالکان و مالکان به ادارات دولتی مراجعه می‌کنند. حتی در میان ناخدا و مالک نیز، سلسله‌مراتب عرفی رعایت می‌شود (بهریزی خورگو و محمدی کنگرانی، ۱۳۹۶: ۵۸).

۳۹ کانون جمعیتی ساحلی در سرزمین مادری، سازمندی صیادی را تشکیل می‌دهند که از این تعداد، ۲ کانون جمعیتی بندرعباس و بندر خمیر به عنوان سازمندی شهری شناخته شده و مابقی به عنوان سازمندی روستایی در زمره تقسیمات کشوری قرار می‌گیرند. همچنین تعداد ۹ کانون جمعیتی که از آنها به عنوان سازمندی حرائشینی نام برده شد را می‌توان در قلمرو این سازمندی نیز به شمار آورد، زیرا نقش کارکردی سکونتگاه‌ها و سلسله‌مراتب سکونتگاهی و اجتماعی مردمان ساکن در آنها، در حال تغییر است. شکل ۱۴ موقعیت سازمندی‌های صیادی سرزمین مادری را نشان می‌دهد.

اغلب ساکنین جزایر قشم، هرمز، لارک و هنگام (سازمندی شهری و روستایی) به صیادی و تجارت دریایی می‌پردازند. باین‌وجود سکونتگاه‌هایی که صیادی در آن فعالیت اصلی به شمار می‌رود، بیشتر شامل سکونتگاه‌های غربی (دوستکو، باسعیدو و ...) و جنوبی (سلخ، شیدراز، مسن، دیرستان و ...) جزیره قشم، لارک، هنگام قدیم و جدید است. بخش اعظم صیادی به

صید آبزبان دریایی و مروارید معطوف می‌گردد و تجارت دریایی با کشورهای پیرامون خلیج فارس از قدیم‌الایام و واردات و صادرات کالا نیز در این سازمانی اجتماعی، نقش عمده‌ای را داراست. البته استفاده از جنگل‌های حرا، اکوتوریسم، کشاورزی و دامداری محدود نیز در این سکونتگاه‌ها منبعی برای امرارمعاش ساکنین آن به حساب می‌آید. شکل ۱۵ موقعیت سازمانی-های صیادی جزایر را نشان می‌دهد.



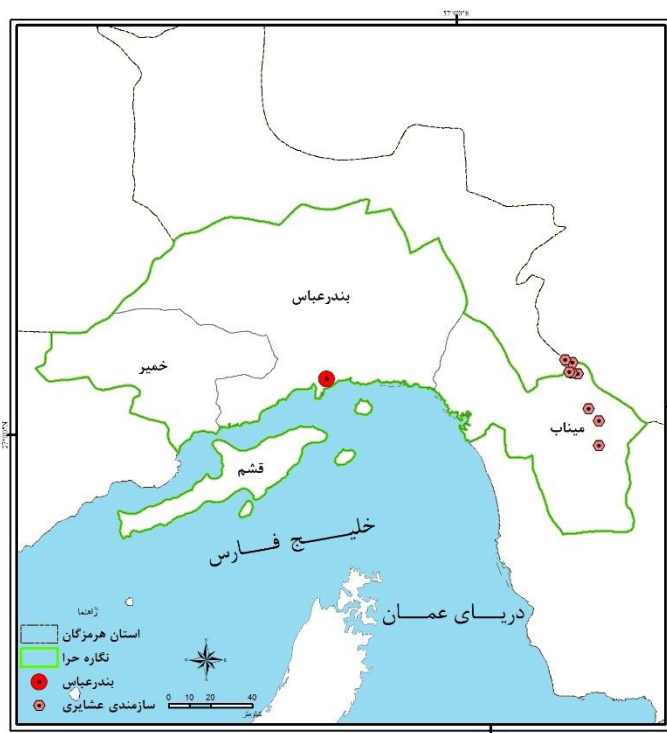
شکل ۱۴: سازمانی صیادی سرزمین مادری شکل ۱۵: سازمانی صیادی جزایر (تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۲)

سازمانی عشایری (مدنیت روان)

سازمانی اجتماعی دیگری که در سرزمین مادری مشاهده می‌گردد، "سازمانی عشایری" نام دارد. این جذابیت مکانی، در مقابل مدنیت شهری و روستایی که مدنیت ساکن و نقطه‌ای از آن یاد می‌شود، دارای سازمانی دیگری است و به مدنیت روان، سیال یا خطی شهرت دارد. لذا رکن اصلی هویتی که در این قلمرو ایجاد شده، بیشتر نسبی است تا مکانی، زیرا ساکنان و اجتماعات سازمانی این خطه بیشتر تعلق خاطرشان معطوف به نسب آنهاست؛ برای مثال اگر از ساکنان این قلمرو پرسیده شود، اهل کجایی؟ در پاسخ دچار مشکل می‌شوند، زیرا طرح چنین سؤالی اصولاً در فرهنگ مدنیت روان غیرمتعارف است، زیرا آنها در تشخیص هویت افراد، سؤال کردنشان به این صورت است که شما چه کسی هستید؟ در پاسخ، فرد سؤال‌شونده نام محل یا مکان را نمی‌برد، بلکه به طایفه و ایل خود اشاره می‌کند و می‌گوید مثلاً من باسری هستم یا چهارلنگ هستم. حال اگر از اهالی مدنیت مسکون همین سؤال پرسیده شود، بلافاصله نام مکان یا محل در جواب گفته می‌شود؛ برای مثال کرمانی هستم. این شیوه پرسش و سخن گفتن به خوبی از تعلق خاطر یا هویت افراد پرده برمی‌دارد و نشان‌دهنده آن است که افراد تعلق هویتی خود را از نسب خود می‌گیرند تا مکان (رامشت و باباجامالی، ۱۳۹۸: ۱۳۹).

مدنیت روان در استان با ۲۰۰۰ خانوار برون کوچ (کوچ بیرون استانی) و ۱۵۰۰ خانوار درون کوچ (کوچ درون استانی) موجب تشکیل سکونتگاه‌هایی شده که از اوایل آبان، شهرستان‌های حاجی‌آباد، رودان و میناب را قشلاق زمستانه و از اواخر فروردین، شهرستان‌های بافت، سیرجان، بردسیر را بیلاق تابستانه خود می‌شناسند و قرون متمادی است که این شیوه سکنی‌گزینی ۶ ماهه را ادامه می‌دهند. عشایر استان در ۱۷ زیست‌بوم متفاوت می‌زیند و شامل ۱۸ ایل و ۱۲ طائفه هستند. بزرگترین عشایر استان ایل کوهشاهی‌اند که در قسمتهایی از شهرستان رودان و بخش‌های توکهور و سندرک شهرستان میناب به درون کوچی ادامه داده و در سکونتگاه‌های خود به کاشت خرما، مرکبات، گندم و جو پرداخته و در تولید لبنیات حرف اول استان را می‌زنند

(برنامه آمایش استان هرمزگان، ۱۳۹۷). سکونتگاه‌های بچگوئی، کوی هجرت، کهورتاک، مزرعه تفضلی، دهن در (دهستان چراغ آباد بخش توکهور)، کشران (دهستان سندرک بخش سندرک)، هنگر، تیغ سیاه (دهستان بندر بخش سندرک)، سازماندهی‌های عشایری نگاره حرا را تشکیل می‌دهند که در شکل ۱۶ ترسیم شده‌اند.

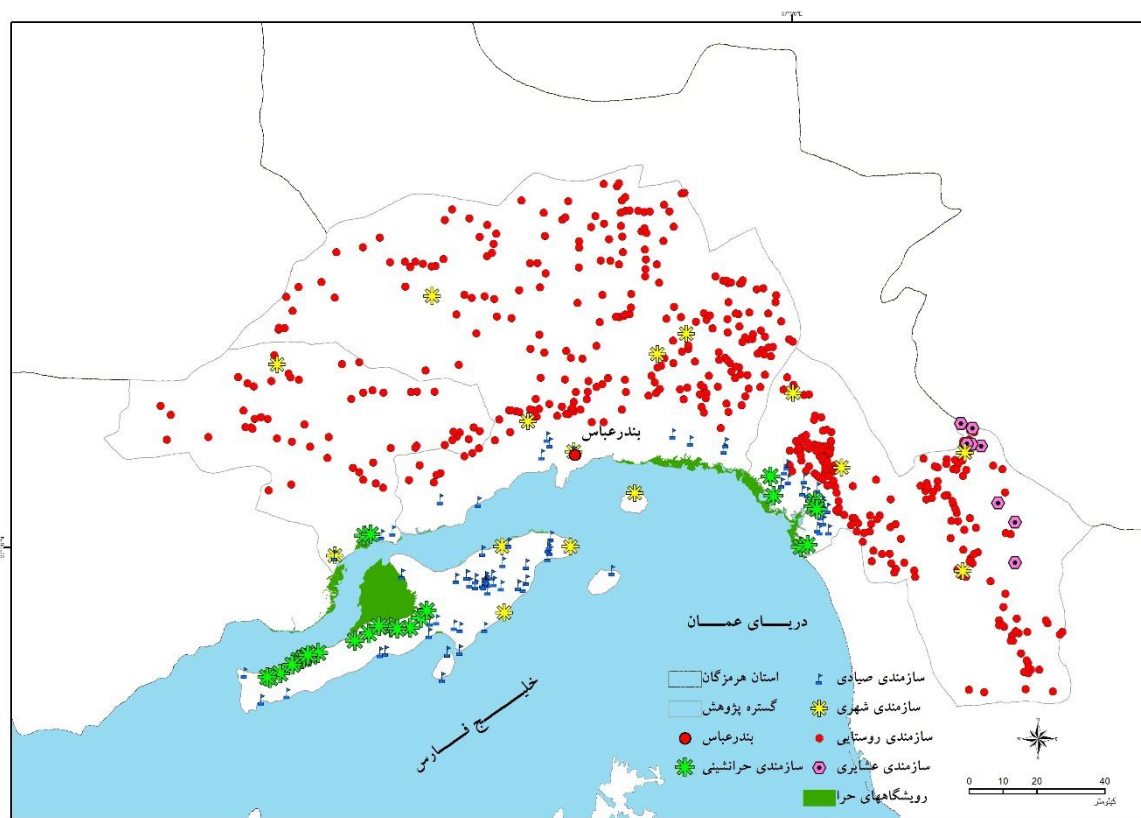


شکل ۱۶: سازماندهی عشایری سرزمین مادری (تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۲) (منبع: برنامه آمایش استان هرمزگان، ۱۳۹۷)

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه که در قسمت بحث و دستاوردها، بدان از نظر کمی استدلال شد و همچنین نیم نگاهی به برنامه‌های توسعه کشور در جنوب، ما را با واقعیت جدیدی درحوزه آمایش آشنا می‌سازد و آن اینکه، اولاً در این منطقه سازماندهی‌های اجتماعی روستایی، شهری، صیادی، عشایری و حرانشینی وجود دارد و این سازماندهی‌های اجتماعی که در نظام سکونتگاهی ما تحت دو عنوان شهری و روستایی طبقه‌بندی می‌شوند، دارای هویت متفاوت اجتماعی بوده و نمی‌توان در آمایش ساحلی از آنها تحت دو عنوان شهر و روستا عبور کرد. نکته دوم مهم دیگری که از بررسی‌های ژئومورفولوژی و محیطی به دست می‌آید، معطوف به یک سیستم طبیعی با هویت خاصی است که تاکنون در برنامه‌های آمایشی از ارکان فضا تلقی نشده و این سیستم طبیعی که به جنگل‌های حرا موسوم است، یک ویژگی استثنایی این محیط است و می‌تواند به عنوان یکی از ارکان مفصل‌بندی فضای آینده ساحل خلیج فارس نقش‌آفرین باشد و عناصر هویت‌بخش مکانی را با توجه به معیارهایی شامل ارتفاع، شیب، جهت شیب، بافت جمعیتی، فاصله از آبراهه‌ها، فاصله از ساحل و ... تحلیل نمود. این عناصر، الگوهای را خلق می‌کنند که هویت‌مندی هر مکانی را جلوه‌گر می‌سازد. در این میان، فاصله به عنوان مهم‌ترین بنیان هویت‌بخش مکان در تحلیل فضایی باغشهر دریایی مورد توجه قرار گرفت، زیرا این شاخص، جذاب‌ترین مؤلفه در تاریخ سکونت‌های سواحل شمالی خلیج فارس عمل کرده است و دریافت این واقعیت دارای یک پشتوانه نظری قوی است؛ بطوریکه می‌توان آنرا مهم‌ترین عنصر هویت‌بخش در پلاتفرم طبیعی معرفی کرد.

نکته سوم دیگری که تحت عنوان متاورس حرا از آن یاد می‌شود، حکایت از آن دارد که به‌جای توسعه شهرها در این منطقه، باید به فکر سازمندی جدید دیگری در فضای سایبری بود که نمی‌توان عنوان شهر و یا روستا بر آن نهاد، بلکه الگوی زیست جمعی با هویت جدیدی خواهد بود که در فضای سایبری و بر اساس پلاتفرم طبیعی و ژئومورفولوژی ساحلی شکل می‌گیرد و در آن چیدمان کانون‌های جمعیتی، سازمندی‌های شهری، روستایی، صیادی، حراشینی و عشایری هرکدام به رسمیت شناخته شده و ضمن حفظ نقش اصلی خود و تمسک به هویت مکانی و فرهنگی خاص خود، با اتکاء به نظریه هویت آینه‌ای (محمودی محمدآبادی، ۱۳۹۳) با وجود متکثربودن می‌توانند کسرناپذیر بوده و خود عامل نوعی وحدت و یکپارچگی سرزمینی در سازمندی جدید تلقی شوند. جامعه جدید که تحت عنوان سازمندی باغشهر دریایی در فضای سایبری با هویت جدید متاورسی خلق می‌شود، به عنوان مؤلفه‌ای در تبلور مدنیت دریاپایه قلمداد و مکمل مدنیت خشکی‌پایه در مباحث الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت، خواهد بود و رکن ارتباطات سایبری به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه در پلاتفرم مجازی، منطقه را با دوخت مجازی سازمندی‌های گوناگون به هم پیوند خواهد داد و از آن واحدی متشکل از یک پلاتفرم طبیعی و یک پلاتفرم مجازی شکل می‌دهد که مهمترین نقش آن، نقش مکمل و کاتالیزور تمدن نوین خشکی‌پایه ایران خواهد بود.



شکل ۱۷: چیدمان فضایی باغشهر دریایی بندرعباس در فضای سایبری (متاورس) (تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۲) (منبع: برنامه آمایش استان هرمزگان، ۱۳۹۷)

منابع

- اقتداری، احمد، ۱۳۸۸، خلیج فارس از دیرباز تا کنون، چاپ اول، انتشارات امیر کبیر، تهران، ص ۴۱۶.
- بحرانی‌پور، علی، ۱۳۹۴، بررسی معیارهای قشربندی دریانوردان سواحل خلیج فارس تا پیش از مریکانتیلیسیم، تحقیقات تاریخ اجتماعی، دوره ۵، شماره ۹، صص ۲۳-۴۴.

- بهروزی خورگو، سینا، و محمدی کنگرانی، حنانه، ۱۳۹۶، ترسیم و تحلیل شبکه‌های ارتباطی میان دینفعان صیادی و نقش آن در توسعه گردشگری روستایی (مطالعه موردی روستای سلخ جزیره قشم)، روستا و توسعه، دوره ۲۰، شماره ۲، صص ۴۷-۶۷.
- چمن‌آرا، وحید، ۱۳۹۵، بررسی بوم‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی منطقه حفاظت‌شده دریایی جنگل‌های مانگرو در جزیره قشم استان هرمزگان، رساله دکتری شیلات، استاد راهنما دکتر احسان کامرانی و مصطفی ظهیری نیا، دانشگاه هرمزگان، دانشکده علوم و فنون دریایی.
- دانه‌کار، افشین، ۱۳۸۵، طرح مدیریت و توسعه جنگل‌های مانگرو در استان هرمزگان، جلد اول، مهندسین مشاور طبیعت و منابع طبیعی، ص ۱۳۸.
- اسپون هولز، باربارا، رامشت، محمدحسین، و نعمت‌اللهی، فاطمه، ۱۳۹۸، تفاوت‌های حافظه و هویت مکانی آلمان و ایران، جغرافیا و آمایش شهری، دوره ۹، شماره ۳۰، صص ۱-۱۸.
- رامشت، محمدحسین، و باباجمالی، فرهاد، ۱۳۹۸، ژئومورفولوژی تحلیلی ایران، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران، ص ۲۸۲.
- سازمان برنامه و بودجه استان هرمزگان، ۱۳۹۷، برنامه آمایش استان هرمزگان، فصل اول: تحلیل وضعیت اجتماعی استان (تحلیل نظام شهری و روستایی)، ص ۱۱۴.
- سلگی، لیلی، زنگنه اسدی، محمدعلی، و محمدیان، عبرت، ۱۳۹۹، پالئوژئومورفولوژی چاله سبزواری و نقش آن در هویت آفرینی مدنیت شهری، پژوهش‌های ژئومورفولوژی کمی، سال ۹، شماره ۱، صص ۱۷۱-۱۵۶.
- شهری، سمیه، ۱۴۰۱، منطق چیدمان فضایی سکونتگاه‌های یزد بر اساس قنات، معماری اقلیم گرم و خشک، دوره ۱۰، شماره ۱۵، صص ۱۷۹-۱۹۶.
- محمدیان، عبرت، صفاری، امیر، و کرم، امیر، ۱۳۹۸، منطق چیدمان فضایی سکونتگاه‌های جلگه خوزستان، جغرافیا و آمایش شهری، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۱۴۷-۱۶۰.
- محمودی محمدآبادی، طیبه، ۱۳۹۳، هویت آیینی‌ای هسته مدنی ایران (ایده‌ای در حوزه دانش جغرافیا)، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۵، شماره ۱، صص ۷۹-۹۰.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵، سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- نعمت‌اللهی، فاطمه، رامشت، محمدحسین، و المدرسی، سید علی، ۱۳۹۷، نگاره‌های ساحلی و قواعد ژئومورفیک سکونتگاهی (مطالعه موردی ساحل شمالی خلیج فارس)، پژوهش‌های جغرافیای طبیعی، دوره ۵۰، شماره ۳، صص ۴۰۷-۴۲۳.
- نعمت‌اللهی، فاطمه، و رامشت، محمدحسین، ۱۳۹۸، مدل‌سازی و آنالیز چیدمان ژئودموگرافیک در حوضه آبریز خلیج فارس، پژوهش‌های ژئومورفولوژی کمی، دوره ۸، شماره ۳، صص ۳۴-۶۳.
- ولدی، مونا، صفاری، امیر، کرم، امیر، و محمدیان، عبرت، ۱۴۰۱، ژئومورفولوژی شناختی و نگاره دهلران، جغرافیا و توسعه، دوره ۲۰، شماره ۶۶، صص ۴۱-۵۴.
- ولی‌پور، حامد، رامشت، محمدحسین، و تقوایی، مسعود، ۱۴۰۱، باغشهر دریایی تحلیل چیدمان فضایی سکونتگاه‌ها، جغرافیا و توسعه، دوره ۲۰، شماره ۶۷، صص ۱-۲۲.
- Batty, M. 2017. *Space Syntax and Spatial Interaction: Comparisons, Integrations, Applications*. University College London, UK, P.208.
- Hillier, B. 2007. *Space is the machine: a configurational theory of architecture*. Space Syntax, University College London, UK. 1ST Edition, P.380.
- Hillier, B. 2016. *What are cities for? And how does this relate to their spatial form?* Journal of Space Syntax, 6(2), 199-212.

- *Rashid, M. 2019. Space syntax: a network-based configurational approach to studying urban morphology. IN D'Acci, L. eds., The mathematics of urban morphology, PP. 199–251. Faculty of Architecture, TU-Delft, The Netherlands, Springer Nature Switzerland.*
- *Sabry Hegazi, Y., & Fouda, M. 2019. Re-imaging Rosetta historic core through Space Syntax. International Journal of Architectural Research, 13(3), 645-669.*
- *Van Nes, A. 2019. Applied mathematics on urban space. IN D'Acci, L, eds., The Mathematics of Urban Morphology, PP. 253–270. Faculty of Architecture, TU-Delft, The Netherlands, Springer Nature Switzerland.*